

احکام قصاص چشم در مورد شخص الأعور «یعنی از یک چشم کور» از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی

مهدی شجاع‌الدینی مهنی^۱، محمدرضا علمی سولا^۲، محمدرضا کمالی فر^۳

^۱ کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

^۳ کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

نام نویسنده مسئول:

مهدی شجاع‌الدینی مهنی

چکیده

قصاص مجازاتی است که از دیرباز در جامعه بشری وجود داشته و ویژگی برجسته آن همانندی جرم و مجازات است. در قانون مجازات اسلامی نیز اگر کسی به جان یا عضو دیگری آسیب برساند، حکم به قصاص او می‌شود. یکی از مهم‌ترین شرایط قصاص عضو که علما درباره آن اتفاق دارند، همانندی عضو آسیب‌دیده مجنی علیه و جانی است. بر این اساس زمانی که انسان، چشم دیگری را بکند و یا کور کند محکوم به قصاص می‌گردد. هرچند که شخص جانی یک چشم بیشتر نداشته باشد، اما یکی از مواردی که باعث اختلاف فقها در این مورد شده است این است که اگر شخصی که دارای دو چشم سالم است، چشم شخص «الأعور» یعنی شخصی که به صورت خلقت و یا بر اثر آفت سماوی دارای یک چشم است را در بیاورد آیا علاوه بر قصاص یک چشم جانی شخص مجنی علیه باید نصف دیه هم از جانی بگیرد و یا اینکه خیر فقط در چشم جانی قصاص اجرا می‌شود نه چیز دیگر؟ هرچند که همه فقها اتفاق نظر دارند که دیه ی چشم «الأعور» دیه کامل است، اما فقها در مورد این مسئله قائل به سه دیدگاه هستند که برخی به صورت مطلق قائل به قصاص شده‌اند و برخی هم قائل به قصاص همراه با پرداخت نصف دیه شده‌اند و برخی هم در این مسئله توقف کرده‌اند اما گروه اول و دوم به ادله‌ای استناد کرده‌اند که ناتمام است. قانون‌گذار هم در مواد ۴۰۲ و ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی به این امر اشاره کرده است؛ اما لازم است برای فهم عمیق تحقیق بیشتری در این زمینه صورت گیرد. مقاله حاضر با تبیین هر سه قول و بررسی ادله و بیان نقاط ضعف و قوت آن‌ها نظریه‌ی قصاص و پرداخت نصف دیه به خاطر قصاص چشم «أعور» را انتخاب و به پی آمدهای حقوقی این مسئله اشاره کرده است.

کلمات کلیدی: قصاص، شخص الأعور، فقه، قانون مجازات اسلامی.

مقدمه

قصاص یکی از احکام کیفری در اسلام است که قرآن آن را مایه حیات جامعه می‌داند. تشریع حکم قصاص برای جلوگیری از انتقام‌های کور و دور از عدالت، همچنین برای جلوگیری از جرأت یافتن جنایت‌کاران در قتل یا ضرب و جرح شهروندان، وضع شده است. حیات اجتماعی سالم در گرو وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، در گرو حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است؛ و حکم قصاص برای محافظت رکن مهم جامعه، یعنی جان افراد، در برابر جنایت‌کاران وضع شده است. قصاص یا در نفس است و یا عضو که در قصاص عضو علاوه بر شرایط مشترک با قصاص نفس، دارای شرایط اختصاص نیز هست از جمله تساوی در اصلی بودن اعضا، تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر او نشود، تساوی اعضا در سالم بودن، قصاص بیشتر از اندازه جنایت نباشد، تساوی قصاص اعضا بین زن و مرد. یکی از مواردی که در قصاص عضو صورت می‌گیرد بحث قصاص چشم است که چشم سالم در مقابل چشم سالم قصاص می‌شود و اگر شخصی دارای یک چشم سالم است چشم شخصی را بکند چشم آن را درمی‌آورند به عنوان قصاص هر چند که مستلزم کور شدن آن شود. قانون‌گذار هم از این امر مثبته نبوده است و در ماده ۴۰۲ قانون مجازات اسلامی همین دیدگاه فقها را بیان کرده است که «اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می‌شود، گرچه مرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه‌ای به وی پرداخت نمی‌شود. این حکم در مورد همه اعضای زوج بدن جاری است.» (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۴) اما یکی از مواردی که باعث اختلاف فقها در این مورد شده است این است که اگر شخصی که دارای دو چشم سالم است چشم شخص الأعور که به صورت خلقت سماوی و یا بر اثر افت سماوی دارای یک چشم است را در بیاورد در این صورت همه فقها اتفاق نظر دارند که دیه‌ی چشم این شخص دیه‌ی کامل است و حال فقها در مورد این مطلب اختلاف کرده‌اند که آیا علاوه بر قصاص یک چشم جانی شخص مجنی علیه باید نصف دیه هم از جانی بگیر و یا اینکه خیر فقط در چشم جانی قصاص اجرا می‌شود نه چیز دیگر؟ هر چند که قانون‌گذار در ماده ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی قائل به نصف دیه علاوه بر قصاص یک چشم جانی شده است و بیان کرده است: «اگر شخصی که دارای دو چشم است، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد، درآورد یا آن را کور کند، مجنی علیه می‌تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتکب منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد که در این صورت می‌تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مرتکب، نصف دیه کامل را دریافت نماید.» اما شاید بتوان گفت که این دیدگاه قانون‌گذار و برخی فقها مخالف قول باری تعالی: «الْعَيْنُ بِالْعَيْنِ». (سوره مائده، آیه ۴۵) است که در زیر به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت و ابتدا دیدگاه فقها را بیان خواهیم کرد و سپس به تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی خواهیم پرداخت.

تعریف قصاص و الأعور

قصاص در لغت:

قصاص در لغت، اسم مصدر از ریشه «قَصَّ يَقْصُ» به معنای مجازات، عقاب، سزا، جبران، تلافی پی گیری نمودن اثر چیزی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۷۳).

در ((المحیط فی اللغة)) آمده است که منظور از قصاص: منتهای روئیدنگاه موی سر از پس و پیش مانند آنچه داده باشی بازستدن؛ و قصاص در جراحات به معنای چیزی در مقابل چیزی است، مانند جرم مرتکب شده مجرم را مجازات کردن. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۱۸۶).

زبیدی در این مورد بیان کرده است: قصاص به معنای پیروی کردن از کسی و یا چیزی است چنانچه گفته می‌شود «قَصَّ أَثْرَهُ» یعنی فلانی از دیگری تبعیت نمود یعنی پیروی کردن از اثر به واسطه دلیلی همانند آن. (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۳۳۴).

قصاص در اصطلاح:

قصاص در اصطلاح، عبارت است از: «پی گیری نمودن و دنبال نمودن اثر جنایت است به گونه‌ای که قصاص کننده همان جنایتی که جانی بر او وارده ساخته است بر خود او وارد نماید». (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ص ۷) شهید ثانی بیان کرده است: قصاص با کسر قاف اسمی است برای استیفا نمودن مثل جنایتی که بجای آورده شده است خواه آن جنایت قتل باشد و خواه قطع عضو و یا زدن و یا جراحت وارد کردن. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ص ۱۱). صاحب ریاض بیان کرده است: قصاص به کسر قاف اسمی است که برای استیفا نمودن مثل جنایتی که بجای آورده شده است خواه آن جنایت قتل باشد و خواه قطع و یا زدن و یا جراحت و گویا در اصل به معنای پیروی کردن است چنانچه گفته می‌شود ((قَصَّ أَثْرَهُ)) یعنی

فلائی از دیگری تبعیت نمود و گویا قصاص کننده از کسی که جنایت را وارد ساخته است پیروی می کند و همان عملی را که جانی انجام داده است او نیز بجای می آورد. (حائری، [بی تا]، ج ۲، ص ۵۰۰).

الأعور در لغت:

الأعور در لغت به معنی شخص یک چشم است و حمیری در این مورد بیان کرده است که أعور شخصی است که یک چشم دارد و یا به عبارتی شخصی که یک چشم آن به طریقی بینایی نداشته باشد. (حمیری، ۱۴۲۰: ج ۷، ص ۴۸۳۴).

أعور در اصطلاح:

فقها به طور واضح تعریف دقیقی از أعور بیان نکرده اند و بیان آن ها حول معنای لغوی آن است، اما کلینی در این مورد بیان کرده است که أعور یعنی شخصی که یک چشمش سالم است و چشم دیگرش حس ندارد، یا اینکه یکی از چشم هایش ناقص است. معلوم می شود که اصلاً دید و بینائی ندارد. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۶۳۲).

قبل از وارد شدن به مبحث اصلی لازم است بیان شود که اگر کسی صدمه به چشم انسان أعور برساند، گاهی صدمه به چشم سالمش می رساند، گاهی صدمه بر چشم ناسالمش می رساند، أعور انسانی است که یک چشمش سالم است و چشم دیگرش دید ندارد، اگر کسی آسیبی به چشم او برساند، این دو حالت دارد:

الف: گاهی به چشم سالم آسیب و صدمه می رساند.

ب: گاهی به چشم ناسالم صدمه می رساند.

هر موقع بگویند: «عین الأعور»، یعنی چشم سالمش، هر موقع بگویند: العین الأعور، أو العین العوراء، یعنی چشم ناسالم و دلیل بر این مدعا رایتی است که در ای مورد بیان شده است.

پس مسئله این است که انسانی است یک چشمش سالم و چشم دیگرش دید ندارد، این دو صورت دارد، گاهی جانی به چشم سالمش صدمه وارد می کند و گاهی به چشم ناسالمش صدمه می زند؛ و ما در اینجا با فرع اول یعنی صدمه زدن به چشم سالم شخص الأعور سروکار داریم و لذا به بیان آن خواهیم پرداخت.

بررسی فرع اول

اگر به چشم سالم صدمه برساند، یکدانه چشم دیه کامل دارد و این خودش یک نوع تخصیص در قاعده است، اگر کسی به چشم سالم أعور صدمه وارد کند، به جای پانصد دینار، باید هزار دینار بدهد، چرا؟ چون در این زمینه روایت داریم، یعنی دو روایت داریم که اگر کسی به چشم آدم أعور صدمه برساند، باید دیه کامل بدهد، چرا؟ چون این آدم با کور کردن چشم سالم أعور، جناب أعور می شود اعمی و کور مطلق، مثل این می ماند که دو چشمش را در بیاوریم، اگر دو چشم انسان سالم را در بیاوریم، همان طور که دیه کامل دارد، اینجا هم اگر یک چشم سالم را در آوریم، چون چشم دیگرش بینائی ندارد، باید دیه کامل بپردازیم، فلسفه اش این است و روایت هم داریم. روایاتی که می گوید اگر یک چشم سالم أعور را در آوردی، باید دیه کامل بپردازی، این درجایی است که أعوریت یا مادر زادی باشد و یا بأفة الهیة، اما اگر چشم این آدم در اثر جنایت أعور شده، یعنی جانی او را أعور کرده، منتها این آدم یا دیه گرفته یا دیه نگرفته، یا به خاطر قصاص أعور شده، یعنی خود این شخص، چشم دیگری را أعور کرده، فلذا چشم خودش از باب قصاص کور شده است، در این دو صورت نصف دیه است نه تمام دیه. لذا بحث ما در مورد قصاص کسی است که چشم سالم شخص أعور را در آورده باشد و یا باعث از بین بردن بینایی آن شده باشد.

تبیین نظریه های فقها

فقهای مشهور امامیه در این مورد سه دیدگاه دارند که عبارت اند از:

۱ - قصاص بدون پرداخت نصف دیه.

فقهای این گروه قائل به این هستند اگر شخصی که دارای دو چشم سالم است چشم شخصی را که دارای یک چشم سالم است در آورد در این صورت فرد مختار است که دیه را که هزار دینار است بگیرد و بین اینکه چشم جانی را در آورد؛ اما شخص جانی علیه نمی تواند هم یک چشم جانی را قصاص کند و هم اینکه نصف دیه را از وی بگیرد، از جمله فقهای که قائل به این دیدگاه است شیخ مفید است که ایشان قائل به قصاص بدون پرداخت دیه شده است و بیان کرده است که اگر شخص جانی که دارای دو چشم است چشم شخص مجنی علیه را در آورد در این صورت شخص مجنی علیه مخیر است بین گرفتن دیه و یا اینکه یک چشم جانی را قصاص کند و در صورت قصاص کردن

هیچ چیز به وی رد نمی‌شود. (مفید، ۱۴۱۳: ص ۷۶۱). شیخ طوسی در کتاب الخلاف بر این مطلب علاوه بر بیان روایات ادعای اجماع کرده و بیان کرده است شخص الأعور که دارای یک چشم است می‌تواند چشم شخص جانی را درآورد و یا اینکه دیه آن را بگیرد و اگر چشم شخص جانی را از باب قصاص درآورد هیچ دیه‌ای به وی تعلق نمی‌گیرد. (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۲۵۱). ابن ادریس نیز قائل به دیدگاه شیخ در خلاف شده است و بیان کرده است آیهی ۴۵ سوره مائده «الْعَيْنُ بِالْعَيْنِ» دلالت بر این مطلب می‌کند و آیه قرآن بیان نکرده است که العین بالعین و نصف دیه و از طرف دیگر اصل برائت ذمه‌ی شخص از پرداخت دیه است و پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص محتاج به دلیل است. (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۳۸۱). علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام قول شیخ را مبنی بر عدم پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص قول قوی دانسته است و بیان کرده است این مطلب در صورتی است که شخص مجنی علیه ذاتاً دارای یک چشم باشد. (علامه حلی، [بی‌تا]، ج ۲، صص: ۲۵۹-۲۵۸). علامه حلی در ((تلخیص المرام)) پرداخت نصف دیه را به همراه قصاص به صورت قیل آورده است که این حاکی از آن است که این مطلب را قبل ندارد. (علامه حلی، ۱۴۲۱: ص ۳۴۶). محقق حلی در این مورد بیان کرده است که دو قول وجود دارد اما قول اولی این است که در صوتی که شخص الأعور چشم جانی را قصاص کند دیه‌ای به وی رد نمی‌شود. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۲۲۱) شهید اول در ((اللمعة الدمشقیة)) پرداخت دیه علاوه بر قصاص را به صورت قیل آورده است که این حاکی از این است این قول ضعیف است. (شهید اول، ۱۴۱۰: ص ۲۷۲). مقدس اردبیلی در رد این مبحث بیان کرده است باید تأمل کرد که دیه شخص الأعور دیه‌ی کامل است زیرا عین واحد دیه‌ی آن نصف است و این به وسیله اجماع و نص ثابت شده است و لذا باید در مورد دیه‌ی شخص الأعور تأمل کرد اما حال اگر شخصی که دارای دو چشم است چشم شخصی را که الأعور است در بیاورد در این صورت آیا علاوه بر قصاص باید شخص جانی نصف دیه‌ی یک چشم را هم به آن بپردازد و یا خیر در این مورد باید گفت که اگر دیه‌ی شخص الأعور دیه‌ی کامل باشد به وسیله‌ی قصاص یک چشم جانی باید نصف دیه را هم بگیرد اما در غیر این صورت خیر؛ و مقدس اردبیلی دیدگاه شیخ طوسی و مفید را نقد کرده است که قائل به قصاص هستند بدون رد و از این گفتار وی می‌توان گفت که به سمت این دیدگاه تمایل دارد. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، صص: ۸۳-۸۷). صاحب ریاض نیز بیان کرده است که دیه شخص الأعور دیه‌ی کامل است اما در مورد قصاص و اینکه آیا اگر شخصی چشم این شخص را درآورد علاوه بر قصاص آیا باید نصف دیه هم به وی رد شود یا نه؟ چیزی بیان نکرده است. (حائری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۴۳) صاحب جواهر پس از بیان دیدگاه فقها از جمله شیخ طوسی در کتاب خلاف و نهایتاً بیان کرده است که اولی این است که اگر دیه خواست دیه کامل به وی رد می‌شود اما اگر شخص جانی را قصاص کرد دیگر چیزی به وی رد نمی‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، صص: ۳۶۷-۳۶۸)

۲ - پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص چشم.

برخی از فقها از قائل به این شده‌اند هرگاه شخص جانی که دارای دو چشم صحیح است چشم شخصی را که الأعور است یعنی بر اثر آفت سماوی و یا خلقت آسمانی دارای یک چشم است کور کند در این صورت در چشم این شخص دیه کامل است و علاوه بر اینکه یک چشم جانی را قصاص می‌کنند جانی باید نصف دیه هم به وی رد کند. شیخ طوسی در کتب ((النهاية و المبسوط)) قائل به این دیدگاه شده است و بیان کرده است شخصی که چشم شخص الأعور را در بیاورد در این صورت این شخص مخیر است بین اینکه دیه‌ی کامل را از شخص جانی بگیرد و یا اینکه یکی از چشم‌های شخص جانی را به عنوان قصاص بکند و نصف دیه هم از وی دریافت کند. (طوسی، النهایه، ۱۴۰۰: ص ۷۶۵ - همان، المبسوط، ۱۳۸۷ ج ۷، ص ۱۴۶). شیخ صدوق نیز قائل به قصاص همراه با پرداخت نصف دیه شده است. (صدوق، ۱۴۱۵: ص ۵۱۷) علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه پس از بیان دیدگاه شیخ طوسی بیان کرده است که دیه‌ی شخصی که ذاتاً و یا خلقتاً یک چشم دارد هزار دینار است و لذا وقتی یک چشم آن کشته شود در این صورت قصاص یک چشم معادل نصف دیه‌ی چشم آن است و باید مقدار تفاوت آن‌هم که نصف دیه است پرداخت شود زیرا در غیر این صورت به آن ظلم می‌شود و از طرفی روایات نیز بر این مطلب دلالت دارند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۹، صص: ۳۷۵-۳۷۶). شهید اول در غایه المراد به سمت این دیدگاه تمایل پیدا کرده است به گونه‌ای که پس از بیان دیدگاه فقها در این مورد بیان کرده است ادله‌ی کسانی که قائل به قصاص بدون رد کردن دیه هستند مورد اشکال است و به بیان آن‌ها پرداخته است. (شهید اول، ۱۴۱۴: ج ۴، صص: ۳۷۲-۳۷۴). شهید ثانی در الروضه البهیة به بیان دیدگاه فقها پرداخته است بدون اینکه قائل به دیدگاهی باشد اما از مجموع کلام آن می‌توان دریافت که ایشان تمایل به دیدگاه اول که شخص جانی علاوه بر قصاص باید نصف دیه‌ی یک چشم را به شخص جانی بپردازد دارد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، صص: ۸۱-۸۲). آیت‌الله خویی بیان کرده است در این مورد هیچ اختلافی بین اصحاب نیست که دیه‌ی شخص الأعور دیه‌ی کامل است و لذا روایات بر ای مطلب دلالت دارند که اگر شخصی چشم شخص الأعور را بکند در این صورت آن شخص اگر بخواهد می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و نصف دیه را هم از وی بگیرد و یا اینکه می‌تواند آن را عفو کند و دیه کامل را از آن بگیرد و از دیدگاه آیت‌الله خویی دیه‌ی شخص الأعور دیه‌ی کامل است فرقی نمی‌کند که کور شدن یک چشم وی به خاطر آفت سماوی باشد و یا اینکه خلقتاً و یا اینکه به خاطر جنایتی باش هر چند دیه‌ی آن را هم گرفته باشد که این برخلاف دیدگاه مشهور است. (خویی، ۱۴۲۲: ج ۴۲ موسوعه، صص: ۳۴۲-۳۴۳). محقق خمینی در این مورد بیان کرده است: اگر صاحب دو چشم، چشم أعور را در بیاورد برای آن یک چشم

قصاص گرفته می شود؛ پس آیا برای او علاوه بر آن، رد نصف دیه است؟ بعضی گفته اند: نه. ولی اقوی ثبوت آن است؛ و ظاهر آن است که مجنی علیه بین گرفتن دیه کامل و بین قصاص گرفتن و گرفتن نصف دیه مخیر است، کما اینکه ظاهر آن است که این حکم درجایی ثابت است که چشم أَعور دیه کامل داشته باشد کما اینکه به طور خلقت یا به آفت از خدا باشد- نه در غیر آن- مثل جایی که چشم او از جهت قصاص درآورده شده باشد. (خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۵۴۵).

۳- توقف.

برخی از فقها در مورد این مطلب توقف کرده اند بدون اینکه یکی از این دو قول را داشته باشند از جمله: علامه حلی در کتب (ارشاد الأذهان و قواعد الاحکام) قائل به توقف شده است به گونه ای که هیچ نظری را بیان نکرده است و فقط در مورد اینکه اگر شخصی که دارای دو چشم سالم است چشم شخصی را که دارای یک چشم است خلقتاً دربیورد بیان کرده است در این مورد دو دیدگاه است بدون اینکه قائل به یکی از آن دیدگاه ها شود. (علامه حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۰۷ - همان ۱۴۱۳: ج ۳، صص: ۶۳۸-۶۳۹).

ادله گروه اول که قائل به قصاص بدون پرداخت دیه به شخص الأَعور شده اند.

۱- اجماع.

شیخ طوسی بر این مطلب اجماع بیان کرده است. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۵۱).

۲- قول باری تعالی: «الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ». (سوره مائده، آیه ۴۵).

فقهای این گروه به این آیه قرآن استناد کرده اند که افاده ی عمومیت می کند و از طرف دیگر و آیه قرآن بیان نکرده است که العین بالعین و نصف دیه.

۳- روایت.

روایت حلبی از امام صادق (ع) که آن حضرت فرمودند: در عین الأَعور دیه کامل است. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۴، ص ۳۹۸)؛ که این روایت مطلق است و بیان نکرده است که علاوه بر قصاص نصف دیه هم به شخص محنی علیه تعلق می گیرد.

۴- اصل.

منظور از اصل، اصالة البراءة است یعنی اصل برائت ذمه شخص از پرداخت دیه است. برخی از فقها در جواب آیه ی شریفه در مورد نفی دیه بیان کرده اند که این آیه [سوره مائده ۴۵] حکمی از تورات را نقل می کند، از این رو ما ملزم به عمل کردن آن نیستیم؛ اما فقها برخی از فقها به آن پاسخ داده اند که این سخن درستی نیست به خاطر اینکه اولاً - حکم این آیه در شرع مقدس اسلام ثابت است زیرا زراره از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) نقل کرده است این آیه جزء محکومات است. ثانیاً - خداوند به دنبال این آیه می فرماید: هرکس به آنچه خداوند نازل کرده است حکم نکند از ظالمین است و کلمه ی من افاده ی عمومیت می کند؛ و شهید ثانی به این جواب اشکال کرده است که شاید بتوان در قسمت دوم استدلال «و من لم يحکم بما...» تشکیک کرد زیرا احتمال دارد که من بر اسم «ان» عطف شده باشد و در نتیجه اگر نص بر محکم بودن این آیه دلالت نداشته باشد دلالت نمی کند که حکم مذکور در آیه در شرع اسلام باقی است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ص: ۸۳).

نقد و بررسی ادله این گروه

اولاً - در مورد اجماعی که شیخ طوسی بیان کرده است باید گفت به نظر می رسد این اجماع در مورد ای است که دیه ی چشم شخص الأَعور دیه کامل است همان طور که بیشتر فقها بر این مطلب اجماع بیان کرده اند.

ثانیاً - در مورد آیه ی قرآن باید گفت به این آیه پاسخ داده شده است که کلمه «العین» مفرد محلی به الف و لام است و افاده عمومیت نمی کند یعنی شامل مورد ما که مجنی علیه یک چشم داشته باشد نمی شود.

ثالثاً - به خاطر وجود روایت مذکور اصل کنار گذاشته می شود زیرا جایی به اصل تمسک می شود که دلیلی در مقابل آن نباشد. (شهید اول، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۳۷۴).

ادله گروه دوم که قائل به قصاص و پرداخت نصف دیه هستند:

۱ - جانی تمام بینایی شخص الأعور را از بین برده است و لذا باید تمام دیه پرداخت شود و درحالی که از جانی به اندازهی نصف دیه یعنی یک چشم قصاص شده است و در نتیجه نصف دیگر برای مجنی علیه باقی می ماند در غیر این صورت به مجنی علیه ظلم شده است. (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص: ۳۷۵-۳۷۶).

۲- روایات.

۱ - روایت محمد بن قیس از امام باقر (ع) که آن حضرت فرمودند: حضرت علی (ع) درباره ی شخص یک چشمی که چشم سالم آن آسیب دید و از حدقه درآمد حکم کرد به اینکه یک چشم کسی که به ایشان آسیب رسانیده است کشته شود و نصف دیه را نیز بپردازد و اگر مجنی علیه راضی شد می تواند دیه ی کامل بگیرد و چشم جانی را قصاص نکند. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۴، ص ۳۹۸).

۲ - روایت عبدالله بن حکم از امام صادق (ع) که از آن حضرت در مورد مردی که دارای چشم سالم بود چشم شخص الأعور را کشته بود سؤال کرد؟ که آن حضرت فرمودند: دیه ی چشم آن کامل است و لذا اگر شخص مجنی علیه بخواهد می تواند یک چشم آن را قصاص کند و نصف دیه ی آن را بگیرد زیرا دیه ی چشم این شخص کامل است و به وسیله ی قصاص نصف دیه ی آن باقی می ماند (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ص ۲۶۹).

نقد و بررسی ادله این گروه.

اولاً - در مورد دلیل اول کسی مخالف آن نبوده است و شاید آیه ی قرآن که آن هم بیان شد دلالت بر عمومیت ندارد.

ثانیاً - در مورد روایات باید گفت که روایت محمد بن قیس صحیح است و از طرفی مقدس اردبیلی بیان کرده است وجود محمد بن قیس ضرری به این روایات وارد نمی کند و روایت عبدالله بن حکم نیز چنین است. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ص ۸۴).

نظریه ی مختار

با توجه به مجموع ادله ی مطرح شده از جانب هر یک از طرفین و همچنین وجود نقاط ضعف و قوت در هر یک از ادله باید گفت:

۱- نظریه ی فقها مبنی بر اینکه دیه ی شخص أعور دیه ی کامل است مورد وثوق و اطمینان است زیرا تمام فقها بالاتفاق قائل به این هستند و بر این مطلب هم اجماع دارند و از طرف دیگر همه ی آن ها بیان کرده اند که بین اعوری که خلقتاً یا به آفت سماوی اعور شده باشد با اعوری که به واسطه جنایتی که بر او وارد شده یا به خاطر قصاص و یا به هر وسیله ای از حوادث عادی اعور شد فرق وجود دارد، لذا اگر شخص به خاطر جنایتی چشمش را از دست داده باشد دیه ی کامل به آن تعلق نمی گیرد البته آیت الله خویی با این دیدگاه مشهور مخالفت کرده است به گونه ای که از دیدگاه ایشان هیچ فرقی نمی کند که شخص اعور به خاطر آفت سماوی باشد و باینکه به خاطر جنایت در هر صورت دیه ی آن کامل است. لذا این نظریه ی فقها در مورد کامل بودن دیه شخص اعور خدشه ناپذیر است و روایات نیز این مطلب را تأیید می کنند؛ و دیدگاه آیت الله خویی دیدگاهی شاذ است زیرا ایشان تنها به عمومات و اطلاقات روایات استناد کرده است.

۲- اما در مورد پرداخت نصف دیه به مجنی علیه علاوه بر قصاص جانی که برخی فقها به آن استناد کرده اند امری دو از ذهن و بعید به نظر نمی رسد زیرا ادله ی کسانی که قائل به قصاص هستند بدون اینکه شخص جانی نصف دیه را بپردازد ضعیف هستند زیرا به عمومات و اطلاقات قرآن و روایات استناد کرده اند از جمله قول باری تعالی: «الْعَيْنُ بِالْعَيْنِ». (سوره مائده، آیه ۴۵) اما باید گفت که این آیه ی قرآن نباید باعث انحراف افکار شود زیرا کلمه «العين» مفرد محلی به الف و لام است و افاده عمومیت نمی کند یعنی شامل مورد ما که مجنی علیه یک چشم داشته باشد نمی شود؛ و از طرف دیگر روایت محمد بن قیس و عبدالله بن حکم بر این مطلب دلالت دارند و عمومات قرآن به وسیله این روایات تخصیص می خورد. لذا هر چند که بیشتر فقها قائل به دیدگاه اول یعنی قصاص شدن جانی بدون پرداخت هیچ دیه ای هستند اما قول صحیح آن است که فقهای دیگر از شیخ طوسی در کتب النهایه و المبسوط و همچنین شهیدین و محقق خمینی بیان کرده اند یعنی قصاص جانی و پرداخت نصف دیه اما در صورت رضایت، مجنی علیه می تواند دیه ی کامل را دریافت کند بدون قصاص. پس به نظر می رسد با توجه به این ادله نظریه ی پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص جانی به واقعیت نزدیک تر است.

پی آمد حقوقی نظریه‌ی فقها

این نوشتار با بحث تطبیقی میان مستندات فقهی با قانون مجازات اسلامی به پایان می‌رسد. در مورد این فرع فقهی که اگر کسی چشم یک شخصی را کور کند قصاص می‌شود هر چند که مرتکب یک چشم بیشتر نداشته باشد قانون مجازات اسلامی با دیدگاه فقها که بر این مورد اجماع دارند موافق است و قانون‌گذار در ماده‌ی ۴۰۲ قانون مجازات اسلامی بیان کرده است: اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می‌شود، گرچه مرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه‌ای به وی پرداخت نمی‌شود. این حکم در مورد همه اعضای زوج بدن جاری است. (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۴) اما در مورد شخصی که دو چشم سالم دار چشم شخصی را که یک چشم سالم دارد درآورد در این مورد همان‌طور که در بالا بیان شد فقها سه دیدگاه داشتند که البته همه‌ی فقها قائل به این بودند که دیه‌ی این شخص کامل است اما در جزئیات آن اختلاف داشتند، به‌گونه‌ای که گروه اول قائل به قصاص چشم جانی بدون پرداخت نصف دیه به مجنی علیه شده بودند اما گروه دوم قائل به قصاص چشم جانی و پرداخت نصف دیه به مجنی علیه شده بودند و یا در صورت رضایت مجنی علیه دیه‌ی کامل به آن پرداخت شود و برخی دیگر هم در این مسئله توقف کرده بودند؛ اما قانون‌گذار از این مسئله غافل نبوده است و این موضوع در ماده‌ی ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی آمده است قانون‌گذار نیز قائل به دیه‌ی کامل برای شخص اعور شده است البته این استثناء را نیز بیان کرده است که یک چشم مجنی علیه به خاطر آفت سماوی کور باشد اما اگر مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد در این صورت می‌تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مرتکب، نصف دیه کامل را دریافت نماید. لذا در این صورت فرد مجنی علیه مستحق نصف دیه است و نه دیه‌ی کامل. همان‌طور که فقها بالاتفاق این مطلب را بیان کرده بودند به‌جز آیت‌الله خویی که دیدگاهی شاذ دارد و برخلاف نظر مشهور فتوا داده است، لذا دیدگاهی که قانون‌گذار در ماده‌ی ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی [اگر شخصی که دارای دو چشم است، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد، درآورد یا آن را کور کند، مجنی علیه می‌تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتکب منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد که در این صورت می‌تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مرتکب، نصف دیه کامل را دریافت نماید.] بیان کرده است موافق با دیدگاه فقه‌های گروه دوم است و می‌توان گفت که این ماده‌ی قانون مجازات اسلامی نشأت گرفته از دیدگاه فقه‌های گروه دوم از جمله دیدگاه محقق خمینی که آراء وی نقش مهمی در قانون مجازات اسلامی دارد هر چند که بیشتر فقها دیدگاهی مخالف با دیدگاه محقق خمینی و شهیدین و دیگران دارند اما همان‌طور که بیان شد دیدگاه فقه‌های گروه دوم که قائل به قصاص چشم جانی و پرداخت نصف دیه به مجنی علیه شده‌اند خدشه‌ناپذیر است و از آنجایی که منشأ و اساس قانون مجازات اسلامی فقه است لذا بدون تردید می‌توان گفت که قانون‌گذار ماده‌ی ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی را از مجموع دیدگاه فقه‌های گروه دوم که قول آن‌ها خدشه‌ناپذیر است اقتباس کرده است. هر چند که مشهور فقها قائل به دیدگاه اول یعنی قصاص بدون پرداخت هیچ دیه‌ای شده بودند.

نتیجه گیری

- ۱- در میان فقها درباره‌ی موضوع قصاص در چشم در مورد شخصی که دارای دو چشم سالم است چشم شخصی را که دارای یک چشم سالم است درمی آورد، سه نظریه وجود دارد، نظریه‌ی نخست عبارت است از قصاص جانی بدون پرداخت نصف دیه به مجنی علیه در نتیجه شخص جانی را یا باید قصاص کرد بدون اینکه نصف دیه به شخص مجنی علیه داده شود و یا اینکه با رضایت مجنی علیه یک دیه کامل به آن پرداخت شود بدون قصاص چشم جانی؛ یعنی هر چند که دیه‌ی شخص اعور دیه‌ی کامل است اما در صورتی که مجنی علیه خواستار قصاص جانی شود فقط یک چشم جانی را قصاص می کند و هیچ دیه‌ای به آن تعلق نمی گیرد. نظریه‌ی دوم که عبارت است از پرداخت نصف دیه علاوه بر قصاص چشم. در نتیجه اگر شخص مجنی علیه خواستار قصاص جانی شود شخص جانی باید نصف دیه هم به مجنی علیه پرداخت کند زیرا دیه‌ی این شخص دیه‌ی کامل است و یا اینکه با رضایت مجنی علیه شخص جانی دیه‌ی کامل به آن پرداخت کند بدون هیچ قصاصی؛ و نظریه‌ی سوم که توقف در این مسئله است و در نتیجه سکوت در این مسئله را در پی دارد.
- ۲- در مورد نظریه‌های مطرح شده، نظریه‌ی نخست پشتیبان بسیاری از فقها را دارا است که اسامی برخی از آن‌ها بیان شد؛ و نظریه‌ی دوم پشتیبان تعداد کمتری از فقها را دارد اما این نظریه خدشه‌ناپذیر است.
- ۳- نظریه‌ی دوم به خاطر وثاقت ادله به عنوان قول مختار برگزیده شد.
- ۴- قانون گذار نیز در ماده‌ی ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی قول مختار را در حکم خود انعکاس داده است و دیدگاه قانون گذار موافق قول دوم فقها یعنی قصاص شخص جانی و پرداخت نصف دیه به مجنی علیه است لذا این نظریه‌ی قانون گذار پشتیبان فقهی محکمی دارد که خدشه‌ناپذیر است هر چند که در ظاهر و با استناد به عمومات قرآنی اشتباه به نظر می‌رسد اما با بررسی و ضعیف بودن این عمومات و اطلاقت می‌توان به خدشه‌ناپذیری این دیدگاه حکم کرد.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت- لبنان، انتشارات دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع- دار صادر، ۱۴۱۴ ه.ق.
- [۳] اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ه.ق.
- [۴] بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم- ایران، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید- رحمه الله علیه، ۱۴۱۳ ه.ق.
- [۵] جهانگیر منصور، قانون مجازات اسلامی، تهران- ایران، چاپ صدو سی و هشتم، نشر دیدار، ۱۳۹۵.
- [۶] حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل (ط- القديمة)، قم- ایران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، [بی تا].
- [۷] _____، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل (ط- الحديث)، قم- ایران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۸ ه.ق.
- [۸] حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ه.ق.
- [۹] حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحرير الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط- القديمة)، مشهد- ایران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، [بی تا].
- [۱۰] _____، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ه.ق.
- [۱۱] _____، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، تهران- ایران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ه.ق.
- [۱۲] _____، تلخیص المرام فی معرفة الأحكام، قم- ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ ه.ق.
- [۱۳] _____، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- [۱۴] _____، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- [۱۵] حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم- ایران، مؤسسه اسماعیلیان، تاریخ نشر: ۱۴۰۸ ه.ق.
- [۱۶] حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، بیروت- لبنان، دار الفكر المعاصر، ۱۴۲۰ ه.ق.
- [۱۷] خمینی، سید روح الله موسوی، تحرير الوسيلة، قم- ایران، مؤسسه مطبوعات دار العلم، [بی تا].
- [۱۸] خویی، سید ابو القاسم موسوی، مبانی تکملة المنهاج، قم- ایران، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، ۱۴۲۲ ه.ق.
- [۱۹] صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت- لبنان، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ه.ق.
- [۲۰] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران- ایران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ه.ق.
- [۲۱] _____، الخلاف، قم- ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- [۲۲] _____، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت- لبنان، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۰ ه.ق.
- [۲۳] _____، تهذیب الأحكام، تهران- ایران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ه.ق.
- [۲۴] عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت- لبنان، دار التراث- الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ ه.ق.
- [۲۵] _____، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم- ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ ه.ق.

- [۲۶] عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، قم - ایران، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ه.ق.
- [۲۷] قمتی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، المقنع، قم - ایران، مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۵ ه.ق.
- [۲۸] کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، قم - ایران، دار الحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ ه.ق.
- [۲۹] نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه.ق.
- [۳۰] واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت - لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ه.ق.